



حکومت ولایي شئون انساني را به کمال مي‌رساند

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي گفت: حکومت ولایي، حکومتي است که به خاطر ارتباط وجودي و تکويني مبدأ آن با انسان، به مدیریت شئون انساني مي‌پردازد و قطعاً این مبدأ وجودي، خيرخواه‌ترین هویت را براي انسان دارد.

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي گفت: حکومت ولایي، حکومتي است که به خاطر ارتباط وجودي و تکويني مبدأ آن با انسان، به مدیریت شئون انساني مي‌پردازد و قطعاً این مبدأ وجودي، خيرخواه‌ترین هویت را براي انسان دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن پناهي‌آزاد، عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي در گفت‌وگو با خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس اظهار داشت: به طور کلي حکومت ديني، يعني مدیریت يك جامعه به صورت نظام‌مند و هدف‌دار و گاهي اوقات نظامي که بر جامعه حاکم است و آن را مدیریت مي‌کند، مباني، مبادي، اصول و ریشه‌هاي خودش را از ماوراي طبيعت يعني اموري بالاتر از سطح ادراک و توان بشر گرفته است، اما بعضي مواقع نیز به بشر منحصر مي‌شود که همان مرتبه مادي و عادي انسان است.

وي افزود: اگر منشأ و ریشه حکومت به جنبه مادي و دنيوي انسان منحصر شود، طبیعتاً معنای ديني به خود نمي‌گیرد زیرا دين حقيقي است که منشأ آن ماوراي طبيعت و بالاتر از وجود عادي و طبيعي انسان است. بنابراین حکومت ديني به يك معنای کلي منحصر و محدود به حیات دنيوي انسان نمي‌شود و مبادي و مباني و اهدافش را از مرحله بالاتر از طبيعت يعني همان مرتبه وحی الهي گرفته است، بنابراین به دين کامل و اکملی که بالاتر از آن ديني نیست، «حکومت ديني» گفته مي‌شود.

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي گفت: ولایت در فرهنگ اسلام معنای بسيار گسترده‌اي دارد و معنای خالص و عام ولایت، سرپرستي است، يعني کسی که نسبت به فرد ديگري سرپرستي داشته باشد، البته در متن این سرپرستي نیز ارتباط تام وجودي در آن نهفته است و زمانی که این ارتباط با مؤلفه‌هاي ديگر ملاحظه مي‌شود، معنای ولایت در صحنه مدیریت از آن برداشت مي‌شود.

وي بيان داشت: حکومت ولایي، حکومتي است که مبدأ آن به خاطر ارتباط وجودي و تکويني‌اش با انسان، به مدیریت شئون انساني مي‌پردازد و قطعاً این مبدأ وجودي، خيرخواه‌ترین مبدأ و هویت را نسبت به انسان دارد و در حقيقت، کمال و سعادت انسان را به معنای يك امر قطعي در دستورالعمل کار خود قرار مي‌دهد و اگر تلقي این معنا در سيستم حکومتي و مدیریتی جامعه پياده شود، حکومت ولایي است و اگر ولایت را از آن معنای تکويني و متعالیش به سطح مدیریتی آورده شود، همان معنای مدير خيرخواه که کمال وجودي دارد و حیات دنيوي و اخروي بشري بر آن صدق مي‌کند نیز از آن فهميده مي‌شود.

پناهي‌آزاد تأکید کرد: با جستجو کردن در ابعاد علمي اسلام، بهترين مصداق و فرودگاه مفهوم ولایت در فقاہت است و بنا به فرموده امام خميني(ره) علتش این است که فقاہت در حقيقت دستورالعمل اداره زندگي اخروي و دنيوي انسان است و با تأمل کردن در فقه اسلامي و شيعه، موضوع تمام ابواب فقه، انسان و شئون انساني است و فقيهي که شئون دنيوي و نتایج اخروي انسان را بر عهده دارد، متصف به مبدأ ديني است زیرا انسان ولي فقيه را تجسم مدیریت دين در جامعه مي‌داند.

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي خاطرنشان کرد: اصطلاح ولي فقيه با این ترکیب خاص، در دوره معصومين(ع) نبوده است اما قطعاً ریشه‌هاي این اصطلاح و مفاد آن در عصر تمامی معصومين(ع) بوده است، بنابراین در احادیث و سيره ائمه(ع) اصطلاحاتي پيدا مي‌شود که کاملاً به کسی که داراي اطلاع و علم و آگاهی ديني به معنایي که از فقه تلقي مي‌شود، ناظر است و حق تصرف در شئون دنيوي مردم را دارد، مانند اموال، مناسبات اجتماعي و سياسي.

وي افزود: اصطلاحاتي مانند سلطان عادل، امام، ولي و فقيه از اصطلاحاتي هستند که حتي در دوره حضور ائمه(ع) نیز رايج بوده است.

حجت‌الاسلام پناهي‌آزاد در پايان با اشاره به رواياتي از «ابان بن تغلب» گفت: امام صادق(ع) خطاب به ابان فرمودند: «علاقه‌مندم به مسجد بروي و به سؤالات شرعي و فقيهي مردم جواب دهی» و این نشان مي‌دهد که مسأله فقاہت در زمان ائمه(ع) بوده است و خود ائمه(ع) اختيار را به بعضي از علمای ديني تفويض مي‌کردند.